

شکل ۲۶۸- دو نمونه از هنر سوخت

به ارث برده است و قسمت‌های دیگر را نزد استادانی چون ابراهیم بوذری، استاد باقرخان سلیمی، مرحوم میرزا هادی خان مختار تجویدی و میرزا عباس خان ذوالفقون آموخته و تکمیل کرده است. استاد حسین خوشنویس زاده درباره اینکه چرا عنوان «سوخت» را به این هنر داده‌اند می‌گوید:

«چون برای ساختن نقش‌های برجسته روی پوست حرارت می‌دهند و نیز به خاطر آنکه در سوخت طبق معمول رنگ‌های تیره و تار به کار برده می‌شود به این جهت آن را سوخت می‌نامند. از خوشنویس زاده درباره اینکه کدامیک از هنرهایی که در «سوخت» به کار برده می‌شود مهمتر است می‌گوید: هر قسمت سوخت به جای خود درخور اهمیت و انجام آن مشکل است اما آنچه به تابلوی سوخت جلوه خاص می‌بخشد، به کار بردن رنگ طلا در آن است، که بایستی از طلای ناب و با صرف وقت و دقت زیادی تهیه شود. در مورد زمان تهیه یک تابلو سوخت نیز خوشنویس زاده می‌گوید: برای تهیه و تکمیل یک تابلو سوخت به نسبت اندازه و کار آن بین یکماه تا ۲ سال ممکن است وقت صرف شود.^(۱) (شکل ۲۶۸)

قلمدان معازمی

قلمدان سازی

قلمدان سازی یکی از حرفه‌های قدیمی است. حرفه‌ای که امروز هیچ نشانی از آن نیست و در تمامی ایران حتی یک نفر را نخواهید یافت که به این کار مشغول باشد. زمان دقیق پیدایش این حرفه را نمی‌توان مشخص کرد. شاید از زمانی که قلم نقشی در کتابت پیدا کرده، حرفه قلمدان سازی نیز در کنارش پیدا شده باشد.

قدیمی‌ترین قلمدان‌های ایرانی موجود در موزه‌ها، متعلق به قرون اولیه اسلامی است. هنر قلمدان سازی در طی اعصار و قرون بطور مداوم رو به رشد نگذاشته و در زمان زنده و قاجار به اوج شکوفایی خود رسیده است.

تا پنجاه سال پیش، داشتن قلمدان از ضروریات زندگی روزمره به حساب می‌آمد. در هر خانه، روی میز هر کاسبکار و در جیب هر نویسنده یک قلمدان پیدا می‌شد. رجال و اعیان، به علت توانایی مالی، قلمدان‌های مورد نیاز خود را به قلمدان سازها سفارش می‌دادند، تا نقوش قلمدان‌هایشان

اختصاصی و منحصر به فرد باشد و بیشتر این قلمدان‌ها که اثر هنری بسیار ظریف است، امروز در موزه‌های شخصی و دولتی وجود دارد.

ارزش یک قلمدان بستگی کامل به کیفیت نقوش آن داشت و تزیین و نقاشی یک قلمدان با توجه به همین مرغوبیت نقش، از یک ماه تا ۶ ماه کار می‌برد. البته پول زیادی هم در ازاء این زحمت نصیب قلمدان ساز می‌گردد.

روی جلد قلمدانها، میدان محدودی برای هنرنمایی استادان نقاشی بود، که با تصاویر ظریف و زیبا، بیسنده را به شور و نشاط در می‌آورد.

نقوش گاهی به اندازه‌های ظریف و کوچک است که برای بهتر دیدن آن ذره‌بین به کار می‌برند و باعث حیرت و تعجب است که در روی سطح یک قلمدان، ۵۰ صورت را نقاش چگونه تصویر کرده است. یکی از سیاحان می‌نویسد قلمدانی را دیده است که هنرمند ایرانی سیصد صورت را در روی آن نقش نموده است.

در روی یکی از این قلمدان‌ها منظره جنگ ایران و عثمانی نقش شده است که صورت ۵۰ نفر با سلاح روی آن دیده می‌شود، این قلمدان کار میرزا احمد می‌باشد که سرپرست نقاشان ظل‌السلطان حاکم اصفهان بوده است.

در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه، نقاشان قلمدان ساز، برای ساختن یک قلمدان خوب تا ۵۰ تومان اجرت می‌گرفتند که این مبلغ در مقایسه با قیمت نان که هر یک من یک قران (ریال) ارزش داشت، مبلغ قابل توجهی بود.

رواج این حرفه و علاقه‌ای که مردم به خرید قلمدان نشان می‌دادند، باعث شده بود، تا این شغل از رونق چشمگیری برخوردار باشد. تنها در تهران بیش از هزار نفر، از راه قلمدان‌سازی امرار معاش می‌کردند. تمام جلوخان مسجد شاه و سرتاسر بازار، حلبی‌سازها را کارگاههای قلمدان سازی پر کرده بود.

حرفه قلمدان سازی مثل تمام حرفه‌های پر رونق، به شعب و رشته‌های گوناگون تقسیم شده بود که هر دسته در رشته‌های خاص تخصص داشتند.

عده‌ای تنها جعبه‌های قلمدان را با استفاده از خرده کاغذ و تکه‌های ریز مقوا درست می‌کردند و بعد برای تزیین در اختیار نقاش می‌گذاشتند.

نقاشان پس از اتمام کار نقش‌پردازی و تزیین قلمدان‌ها را به گروه دیگری که «روغن کار» نامیده می‌شدند، می‌سپردند. «روغنتکاران» کارشان جلا بخشیدن و تثبیت نقوش روی قلمدان بود. آنها از

روغن مخصوصی به نام «روغن کمان» استفاده می‌کردند. این روغن مانند «سلیفون» غشاء نازک و شفاف روی نقوش ایجاد می‌کرد، تا رنگ‌های قلمدان ثابت بماند و آب و رطوبت به «گل و بوته‌ها» و نقش‌های قلمدان آسیب نرساند.

هنرمندان گمنام

نقاشان قلمدان ساز از گمنام‌ترین هنرمندان هستند. زیرا فضای اندک قلمدان این مجال را به آنان نمی‌داد تا در زیر آثاری که خلق می‌کردند «امضاء» بگذارند. به همین سبب است که کمتر نامی از قلمدان سازها، باقی مانده است و بیشتر آنها با مرگشان به فراموشی سپرده شده‌اند. تنها معدودی از قلمدان سازها که سبک خاصی داشته‌اند نامشان معلوم است و کارشناسان تنها با مطالعه بر روی همین سبک و استیل است که پی به هویت بعضی از قلمدان سازها می‌برند.

معروفترین سبک در قلمدان سازی مربوط به شخصی به نام «درویش» است. قلمدان‌های ساخت این هنرمند که در اواخر دوران زندیه زندگی می‌کرده، در زمره گرانبهاترین قلمدان‌ها است به گفته یکی از کارشناسان این رشته، قلمدان‌های ساخت «درویش» در حال حاضر بین ۸۰ تا ۱۰۰ هزار تومان معامله می‌شود و حالا خیلی بیشتر.

زوال این حرفه و هنر از اواخر سلطنت مظفرالدین شاه قاجار آغاز شد. در این سال‌ها تحفه تازهای از «فرنگ» بنام «عکس برگردان» وارد این مملکت گردید. ورود عکس برگردان بزرگترین ضربه را بر پیکر قلمدان سازی وارد آورد.

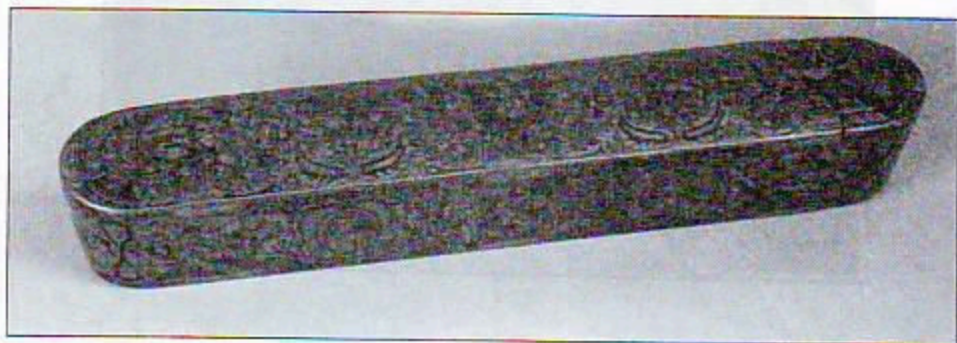
تا قبل از شناخت «عکس برگردان» جعبه‌های ساخته شده قلمدان را برای تزئین به نقاشان می‌سپردند. ولی پس از شناخت «عکس برگردان» دیگر نیازی به نقاش نبود، زیرا در همان کارگاهی که جعبه‌های قلمدان را می‌ساختند. عکس برگردان را نیز بر روی آن می‌چسباندند و برای فروش به مشتری عرضه می‌کردند.

ورود عکس برگردان، امر تهیه و تولید قلمدان را راحت‌تر و سریع‌تر و ارزاتر کرد. عکس‌ها در ظرف چند دقیقه بر روی قلمدان منتقل می‌شد، در حالی که ساده‌ترین نقاشی بر روی قلمدان و روغن کاری، جهت تثبیت آن، حداقل به چند روز کار احتیاج داشت.

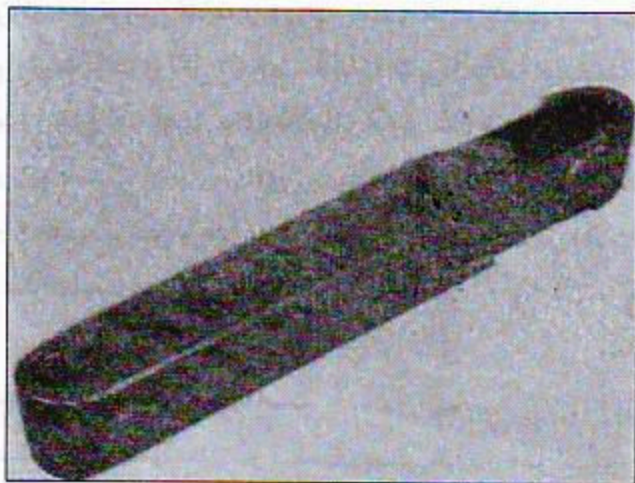
به این ترتیب نقاشان کم‌کم از گردونه تولید قلمدان خارج شدند. اما حرفه قلمدان سازی هنوز رایج بود. بزرگترین و آخرین ضربه را، پیدایش قلم خودنویس و مداد خودکار بر پیکر این حرفه وارد آورد به طوری که قلمدان برای همیشه از پشت ویترین مغازه‌ها به ویترین موزه‌ها و گنجینه

کلکسیونرها نقل مکان کرد.

با پیدایش قلم خودنویس قلمدان سازی فراموش شد و قلمدان سازها به تاریخ پیوستند. امروز از میان آن هنرمندان در سرتاسر پهنه ایران شاید حاج غلامحسین تقوی زنده باشد. تصاویر شماره ۲۶۹ - ۲۷۰ - ۲۷۱ هنر استادان قلمدان ساز را نشان می دهد.



شکل ۲۶۹ - نمونه‌ای از قلمدان‌های دوره قاجاریه



شکل ۲۷۰ - نمونه‌ای از قلمدان‌های دوره قاجاریه



شکل ۲۷۱- یک جعبه از کارهای هنرمندان دوره قاجاریه

آقای دکتر یوسف نیری که از هنرشناسان معاصر است و مجموعه‌ای از قلمدان‌های مختلف دارد درباره قلمدان و قلمدان سازی مطالب زیر را که بسیار کامل و جالب است نوشته‌اند.

«به نسبتی که خط نویسی اشاعه و شهرت یافته و مورد استفاده واقع شده، برای جعبه ابزار نویسندگی هم اهمیت بیشتری قائل شده‌اند تا آنجا که تزیین و تکامل این جعبه‌ها باعث پیدایش هنر ارزنده‌یی گردیده و نقوش آن تبدیل به شاهکارهای هنری شده و شهرت جهانی یافته است.

امروزه در باره قلمدان، کتابهای زیادی در ایران و کشورهای دیگر نوشته شده و می‌رساند که ملت ایران تا چه حد به نوشتن و هنر آرایش و تزیین قلمدان کوشا بوده است. درباره قلمدان چند موضوع مورد سؤال است که در زیر پاسخ داده می‌شود.

۱- قلمدان از چه زمانی متداول شده است

از دوره سلجوقیان نمونه‌هایی از قلمدان باقی مانده و من نمونه‌های استخوانی و مفرغی و چدنی آنرا دیده‌ام. که ابتدا ساده بود و بعدها تکامل یافته و ظریفتر و زیباتر شده است.

۲- در چه دوره‌ای این هنر به اوج زیبایی و کمال رسیده است؟

در دوره صفویه این هنر پیشرفت زیادی کرده ولی باید اذعان نمود که زیباترین قلمدان‌های موجود در موزه‌ها، مربوط به دوران زندیه و قاجاریه است.
در این دوران اساتید بزرگی ظهور کرده و با استفاده از متد نقاشی اروپایی و ذوق ایرانی شاهکارهای هنری به وجود آوردند.

۳- در چه ممالکی این هنر متداول شده.

قدر مسلم این است که در هیچ نقطه از جهان این هنر به پایه ایران نرسیده و بزرگترین شاهکارهای این هنر متعلق به ایران است.
من قلمدان‌های ساخت هندوستان، چین، روسیه و بعضی از کشورهای اروپایی را دیده‌ام که قابل مقایسه با کار اساتید ایران نیست.

۴- ارزش و اهمیت قلمدان بیشتر از چه جهت است

ارزش قلمدان بیشتر به مقدار زحمتی است که در مورد ایجاد آن کشیده‌اند و دیگر ارزش هنری شخص نقاش و قلمدان ساز است. ولی می‌توان به جرئت ادعا کرد که بالاترین مظهر قدرت هنر نقاشی ایران در دوران بعد از صفویه است.

۵- مصالحی که در ساختن قلمدان‌ها به کار رفته است

- ۱- کاغذ و مقوا
- ۲- انواع چوب
- ۳- فلز (مقرغ - مس - آهن - طلا و نقره)
- ۴- استخوان، عاج
- ۵- پارچه
- ۶- چرم و غیره.

۶- هنرهای مختلفی که در صنعت قلمدان سازی به کار گرفته شده

- ۱- بافتن جلد‌های ابریشمی و پشمی با طرح‌ها و نقش‌ها و خطوط زیبا که خود هنری جداگانه

است.

- ۲- هنر مثبت و کنده کاری نقوش بر روی چوب
- ۳- هنر حکاکی فلزات
- ۴- هنر کنده کاری و نقش بر استخوان و عاج
- ۵- نقاشی آب و رنگ
- ۶- نقاشی رنگ و روغن
- ۷- انواع تذهیب و کار با رنگ‌های طلایی
- ۸- انواع خطوط ایرانی
- ۹- تزیین با تمبرها - عکس برگردان
- ۱۰- تزیین با جواهرات (عقیق - مروارید - یاقوت - جید)
- ۱۱- تزیین با قطعات پارچه و قطعات بریده از عاج و استخوان

۷- چه لوازمی در قلمدان جای گزین می‌شده است

- ۱- دوات - لیمه - مرکب
 - ۲- قلم‌های نی با ضخامت‌های مختلف
 - ۳- قلمتراش‌های زیبا
 - ۴- قیچی مخصوص برش کاغذ
 - ۵- قدزن
 - ۶- خط‌کش و پرگار
- گاهی بعضی لوازم دیگر از قبیل، سوزن و نخ و دارو را نیز در قلمدان می‌گذاشتند.
نام عده‌ای از قلمدان سازهای مشهور که از آنها آثار زیبایی باقیمانده است در زیر نوشته می‌شود که بیشتر اهل اصفهان و شیراز بوده‌اند.

«محمد زمان - آقا نجف - محمد اسماعیل - آقا مصطفی - امامی - صنیع همایون - ابوطالب مدرس - عبدالطیف - لطفعلی صورنگر - علی اشرف - اسدالله شیرازی»

دکتر یوسف نبیری

میناکاری

میناکاری

در گذشته به خصوص در زمان صفویه، میناکاری ایران به حد کمال رسید و مورد تقلید میناکاران جهان قرار گرفت.

میناهای کار هنرمندان «بیزانس» که از شهرت زیاد برخوردار است، از لحاظ فن از میناهای ایرانی اقتباس شده است. به همین دلیل، بسیاری عقیده دارند که میناکاری یک هنر خالص ایرانی است و از ایران به کشورهای دیگر راه یافته است. با این همه شهرت میناکاری در اواخر عصر قاجار رو به انحطاط رفت. در عصر صفویه شیوه میناسازان استفاده از نقش‌های اسلیمی و گل و بوته بود و هنرمندان در تصویر این نقشها از رنگ قرمز استفاده نمی‌کردند اما در دوران قاجار به رنگ قرمز در میناکاری راه یافت.

اساس کار میناکاری بر تزئین فلزات قیمتی، مثل طلا و نقره قرار گرفته است، ولی روی مس و برنج نیز میناکاری می‌کردند. هنرمندان، نقش‌های مورد نظر را در روی نقره و طلا و فلزات دیگر نقش و با رنگ‌های مورد نظر تزئین می‌نمودند، و برای هر رنگ، یک مرتبه ظرف یا گلدان و یا اشیاء دیگر را در کوره می‌گذاشتند تا پخته شود.

یکی از میناکاران معاصر «آقای ابراهیم زرقونی» است که در این رشته مهارت زیاد دارد و یکی از کارهای مهم او تابلو بزرگ میناکاری از «جنگ چالدران» است که یک سال طول کشید تا به اتمام رسید. (۱)

یک کوزه قلیان از طلا و نقره است که میناکاری شده و کار ابوالقاسم بن میرزا محمد و در اواخر قرن سیزدهم ساخته است. (شکل ۲۷۲).

معروفترین میناکاران این دوره عبارتند از آقا محمد حسن، آقا محمد امین، آقا محمدعلی، از کارهای آقا محمد حسن یک سرویس چای خوری طلا وجود دارد که روی آن میناکاری شده و از شاهکارهای بی‌نظیر است، این سرویس متعلق به دربار قاجار بوده و در ضیافت‌های رسمی از آن استفاده می‌شده است.

در هنر سنت و کتبخانی قومی ایران

۲۰۲۰



شکل ۲۷۲. کوزه قلیان طلا و نقره میناکاری (کار ابوالقاسم)

خط در دوره قاجار و معاصر

خط در دوره قاجار و معاصر

«خط» در ارتباط با انسان، دانسته‌های او را از دیرزمان، بر سنگ نبشته‌ها، الواح و نیز بر صفحات کاغذ، حفظ کرده است.

«خط» در حقیقت به عنوان رایج‌ترین وسیله نگهداری دانسته‌های انسانها در طول تاریخ به شمار می‌آید و هیچ پدیده تازه‌ای، ننوانسته است، جای آن را بگیرد. انسان تا سالها پیش و قبل از اختراع وسایل صوتی، تنها از طریق نگارش یا به وسیله آنچه که «خط» نام دارد می‌توانست افکار خود را به ثبت برساند و برای آن شناسنامه‌ای، ماندنی به جای گذارد. اکنون نیز که انسان می‌تواند، صدا یا در واقع حرف‌ها و گفته‌های خود را روی نوار ضبط صوت حفظ و نگهداری کند و دیگر بار آنها بشنود، باز هم «خط» اعتبار و اهمیت خود را چون گذشته حفظ کرده است.

بی‌تردید، روزی که انسان «خط» را اختراع کرد، زیانکاری در آن سهمی نداشت و این واقعیت را در متون به جای مانده از پیشینیان می‌توان مشاهده کرد.

به تدریج «نگارش» رنگ و بوی زیبایی و لطافت به خود گرفت، به طوری که به صورت یک هنر مشخص و ظریف جلوه کرد.

خط فارسی نیز از این قاعده، مستثنی نبوده و چنین خط سیری را پیموده است و بنیانگذاران زبانکاری این قسم خط، تا بدان پایه از زیبانویسی و خوشنویسی پیش رفته‌اند که دیگر در زمینه این هنر جولانگاهی برای فرزندان خود یعنی، وارثان امروز به جای نگذاشته‌اند...»

پس از وضع خط نستعلیق، تا مدت دو قرن، این خط وسیله کتابت و خوشنویسی بود، در نتیجه سرعت قلم و تند نویسی، بعضی حروف شکسته شد و به تدریج صورت دیگری به خود گرفت و شکسته نستعلیق نامیده شد. چون خواندن آن برای همه آسان نبود کم‌کم متروک گردید.

معروفترین خوشنویسان قدیم شکسته نویس «محمد شفیع حسنی» معروف به شفیعا است، ولی کم‌کم خوشنویسان زبردست دیگری به وجود آمدند، از جمله میرزا حسن کرمانی، محمد محسن قمی، محمد ابراهیم، محمد افضل گنابادی، محمدعلی اصفهانی و زین‌العابدین کرمانی، گلستانه، میرزا عبدالحسین شکسته نویس و عده‌ی دیگر.

خط شکسته، مراحل پیشرفت و تکامل را می‌پیمود، تا نوبت به درویش عبدالمجید شاعر طالقانی رسید. این هنرمند در خط شکسته، بازار «شفیعا» و سایر خوشنویسان را شکسته است. و

چنانکه کمال خط نستعلیق به دست «میرعماد» صورت گرفت، تکامل خط شکسته به سرانگشت هنر «درویش» انجام یافت. او نه تنها قواعد این خط را استوار کرد، بلکه شیوایی آن را به حد اعلی درجه رسانید.^(۱) (شکل ۲۷۳)

«درویش عبدالمجید» شاگردانی چند تربیت کرد، که هر یک استاد مسلم خط بودند و معروفترین آنها کوچک اصفهانی است.

درویش عبدالمجید خط شکسته را در کمال نیکویی و زیبایی می نوشت و درباره هنر خطاطی او حاجب شیرازی رباعی زیر را سروده است.

ای گشته مثل بخوشنویسی ز نخست
مفتاح خزاین هنر خامه تست
تا کرده خدا لوح و قلم را ایجاد
ننوشته کسی شکسته را چون تو درست^(۲)
در تاریخ وفات درویش طالقانی، آذر بیگدلی چنین سروده است:

زد رقم خامه آذر ز پی تاریخش
(شده ایوان جنان منزل درویش مجید)

۱۱۸۵

رفیق اصفهانی نیز قطعه زیر را سروده که روی سنگ مزارش نقش شده است.

در جوانی ز جهان رخت کشید
چون باوضاع جهان کرد نگاه
شعر چون شعر نکویان دلبند
خط بسان خط خوبان دلخواه
حیف صد حیف ز دنیا کوچید
سوی جنت چو برون زد خرگاه
زد رفیق از پی تاریخ رقم
(جعل الجسته مثنویه الاله).

۱۱۸۵

پس از این زمان، خط شکسته رونق فراوان یافت و خوشنویسان بسیار، به ظهور رسیدند. معروفترین آنها عبارتند از: سید محمد صادق، سید ابوالقاسم، سید محمد اسماعیل انجوی، وصال شیرازی، میر سید علی نیاز شیرازی، میرزا محمدعلی صفای لواسانی، میرزا ابوالفضل ساوجی و میرزا رضای کلهر.

۱ - ایرانشهر، ص ۷۷۰ - ۷۷۱

۲ - سهم ایرانیان در پیدایش خط - دکتر همایون فرخ، ص ۸۴۰

کلهر کرمانشاهی

یکی از خطاطان مشهور دوره ناصری، میرزا محمد رضا کلهر ملقب به «قدوة الکتاب» است. او پس از تحصیل مقدمات به تهران آمد و نزد میرزا محمد خوانساری به آموختن خط و خوشنویسی پرداخت.

کلهر پس از مهارت در نوشتن خط نستعلیق و شکسته، شهرت زیاد پیدا کرد و توجه ناصرالدین شاه را بخود معطوف نمود و به امر شاه در وزارت انطباعات به کار مشغول گردید.

کلهر شیوه خط میرعماد را پیروی می‌کرد. از او، آثار بدیع خط شکسته و نستعلیق باقی است. از آثار با ارزش کلهر، نسخه مخزن‌الانشا و نسخه‌ای از دیوان قآنی شیرازی دیگر دیوان فروغی بسطامی که به خط نستعلیق زیبا نوشته است، علاوه بر آثار مذکور نسخه‌ای از دیوان یغمای جندقی، رساله غیرالناظرین و حیرة الحاضرین و نسخه فیض الدموع نیز به خط کلهر است.

روزنامه‌های معروف آن‌زمان از جمله روزنامه شرف و وقایع اتفاقیه، بدست کلهر نوشته شده او کمتر آثار خود را امضاء کرده است و بهمین جهت غیر از نسخه‌های دیوان شعرا که مشخص است بیشتر آثار او بدون امضاء است و کارشناسان با دقت زیاد کارهای او را تشخیص می‌دهند. (۱)

(شکل ۲۷۵)

اما تجدید حیات خط نستعلیق را باید در نیمه دوم قرن سیزدهم جستجو کرد. که در این مدت پنجاه سال، عده‌ای از زبردست‌ترین خوشنویسان به ظهور رسیدند.

این استادان عبارتند از: میرزا عباس نوری، میرزا اسداله شیرازی، میرزا علی اکبر تفرشی، داوری و حکیم غلامرضا اصفهانی که قسمتی از کتیبه‌های مسجد سپهسالار به خط او است.

(شکل ۲۷۴)

خط در قرن سیزدهم

در قرن دوازدهم هنر خوشنویسی، پیشرفتی نداشت و همچنان قوس نزولی را می‌پیمود. فقط می‌توان عده معدودی از خوشنویسان را ذکر کرد، مانند: آقا ابراهیم قمی، میرزا احمد تبریزی، محمد هاشم زرگر.

با شروع قرن سیزدهم کم‌کم به خوشنویسی اقلام ششگانه توجه شد، بخصوص به خط نسخ و

خوشنویسان متعددی پیدا شدند، و آثار نفیسی از زیر دست آنها بیرون آمد که معروفترین آنها عبارتند از: محمد حسن اصفهانی، عبدالله عاشور، عبدالعلی خراسانی، زین العابدین قزوینی، وصال شیرازی و فرزندان او، میرزا احمد شاملو، زین العابدین اشرف الکتاب اصفهانی، علیبرضا پرتو اصفهانی، غلامعلی اصفهانی. که آنها مراحل خوشنویسی خط نسخ را به درجات بسیار عالی رساندند.

از خطاطان معروف دیگر این دوره آثاری در کتابخانه سلطنتی و مجموعه‌ها وجود دارد که به آن اشاره می‌شود:

عبداللهی قزوینی، قرآن به خط نسخ و سر سوره‌ها به خط ثلث

عبدالله بن عاشور - قرآن به خط نسخ

محمد شفیع تبریزی - قرآن به خط نسخ

میرزا کوچک (وصال) - قرآن به خط نسخ

میر علی شیرازی - قرآن به خط نسخ

محمد علی قاری اصفهانی - قرآن به خط نسخ

محمد بن صادق اصفهانی - قرآن به خط نسخ

محمد شفیع ارستجانی - قرآن به خط نسخ

علی محمد شیرازی - روضه الصفا به خط نستعلیق

فتحعلی حجاب شیرازی - شش دفتر مثنوی مولانا به خط نستعلیق

محمد حسین (کاتب السلطان) تهرانی - الف لیل و لیله به خط نستعلیق و شش دفتر مثنوی

محمد داوری (فرزند وصال) - مثنوی خسرو شیرین بسطامی به خط نستعلیق

محمد رضا کلهر - فیض الدموع، بدایع نگار به خط نستعلیق

میرزا کوچک اصفهانی - جنگ اشعار به خط شکسته نستعلیق

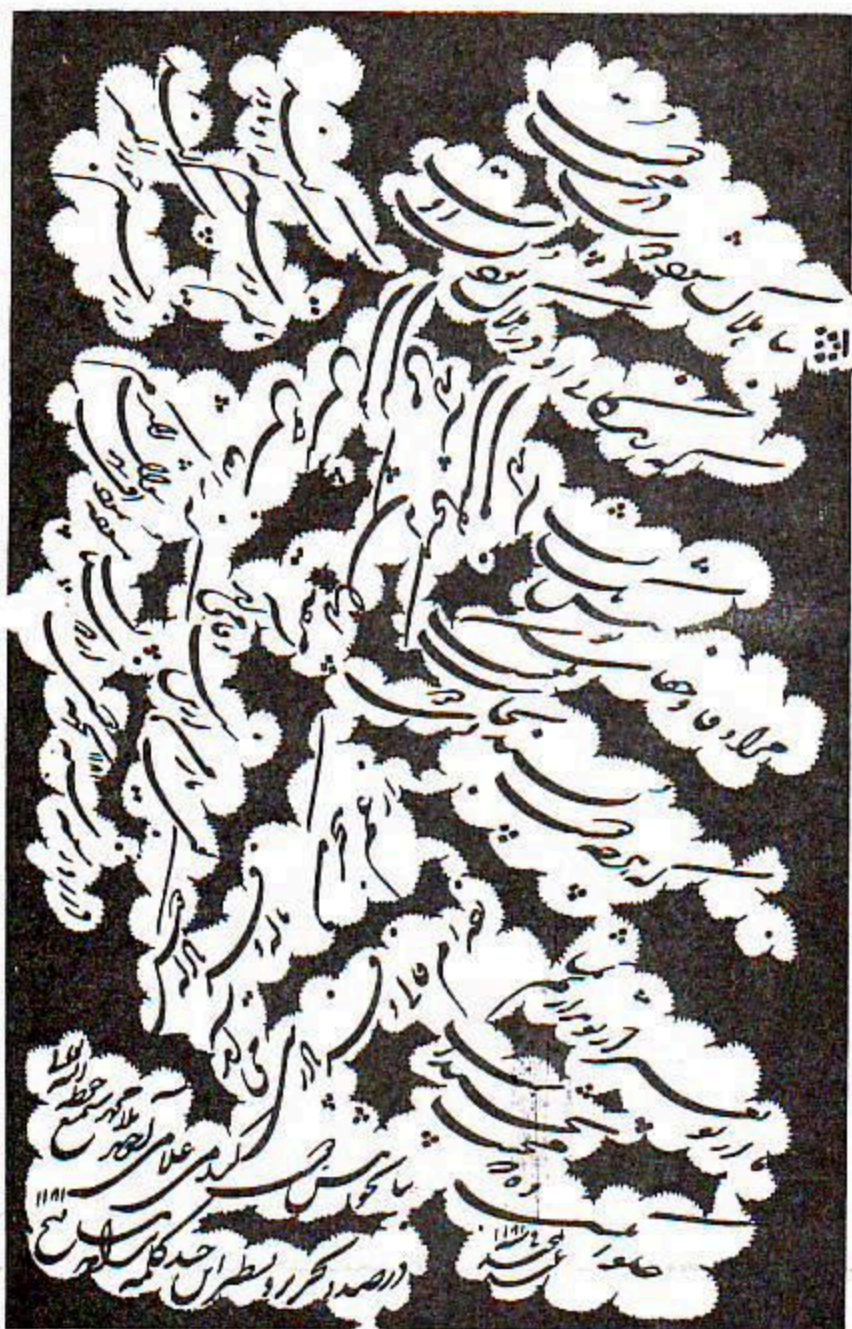
محمد اسماعیل انجو - رساله نوریه به خط شکسته نستعلیق

دیگر از خطاطان این دوره عبارتند از:

فتح علی تنکابنی - فتح اله جلالی - محمد قدسی - الشاعر شیرازی، محمد شفیع خراسانی -

توحید بن وصال - میرعلی کاتب - سید علی نیاز - ابوالقاسم فرهنگ وصال - حکیم بن وصال -

محمد شفیع وصال - وقار شیرازی. (اشکال ۲۷۶ تا ۲۹۷)



انحطاط هنر خط (قرن چهاردهم)

اوایل قرن چهاردهم را باید دوره انحطاط و زوال هنر خطاطی دانست، زیرا در این دوره توجه به خوشنویسی رو به کاهش نهاد و در مدت قریب بیست سال، خوشنویس شایسته در خط نستعلیق جز، میرزا محمد حسین عمادالکتاب و خوشنویس در اقلام ششگانه جز مرحوم عبدالمجید امیرالکتاب ملک الکلامی، استاد دیگری به شهرت نرسید. خوشبختانه در مدت پانزده سال اخیر به خصوص با توجهی که به این هنر زیبا گردیده، توجه هنرمندان را برانگیخته است و به تشکیل انجمن‌های هنری مانند، کانون خط اقدام کرده‌اند.

دیگر از خوشنویسان این دوره، میرزا احمد ادیب شیبانی که علاوه بر حسن خط و طبع موزون در انواع علوم ادبی تبخر داشت، فرزند او میرزا خلیل منشی باشی، سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه و دیگر میرزا طاهر بصیرالملک از خطاطان معروف این دوره هستند. حاج میرزا ابراهیم خان صدیق الممالک منشی و مستوفی ظل‌السلطان، مؤلف کتاب منتخب التواریخ مظفری، میرزا زین‌العابدین کاشانی که خط نستعلیق را بعد از میرعماد کسی مثل او ننوشته و میرزا باقرخان مبین‌الدوله که در نوشتن خط نستعلیق و شکسته مهارت کافی داشته است.^(۱)

از استادان دوران اخیر که آثار بسیاری از او باقی مانده، استاد حسین زرین خط است.

شکل (۲۹۰)

شاید در تمام تاریخ خط و خوشنویسی ایران، نتوان کسی را یافت که به اندازه استاد حسین زرین خط، نوشته باشد. خود او می‌گوید: «خط من در حیب هر ایرانی هست». و به راستی نیز چنین است. زیرا نوشته‌های روی اسکناسهای بانک ملی به خط اوست. گذشته از این، کتابهای ادبی، کتابهای درسی، کتیبه‌های مساجد و مقابر و اوراق بهادار، بروشور داخل جعبه‌های دارو، سکه‌ها، کاشی و پلاکها، تابلوهای تاسیسات و بناهای دولتی، سنگ مزارها، شناسنامه، دفاتر ازدواج، زیارتنامه و ... اغلب به خط اوست. این هنرمند پرتوان که اکنون هشتاد و پنج سال دارد، از دهسالگی قلم به دست گرفته و پیش از شصت و پنج سال از عمر خود را در کار خط و خوشنویسی به سر آورده است. (شکل ۲۹۱)

استاد زرین خط از میان انواع خطوط، فقط نستعلیق می‌نویسد و نرمش و قدرتی که در کار او دیده می‌شود، ناشی از همین است که تمامی استعداد و قدرت خود را وقف یک قلم کرده است. خود

او می‌گوید: «خواستم از مرحوم عمادالکتاب تعلیم ثلث بگیرم، او گفت: خطت بو می‌گیرد این بود که فقط نستعلیق را دنبال کردم.»

خط نستعلیق که واضح آن میرعلی تبریزی است از ترکیب نسخ و تعلیق به وجود آمده است. استاد سلطان علی مشهدی که از استادان مسلم این خط است درباره میرعلی چنین سروده است. نسخ و تعلیق اگر خفی و جلی است واضح اصل خواجه میرعلی است
وضع فرموده او به ذهن دقیق از خط نسخ و وز خط تعلیق
نی کلکش از آن شکر ریز است کاصلش از خاک پاک تبریز است
استاد حسن زرین خط در زمینه‌ی تکامل خط نستعلیق می‌گوید: «خط نستعلیق از زمان میرعماد به این طرف رونق یافت. و میرزا کلهر آنرا تکمیل نمود و به اوج رساند.»
«کلهر مانند ندارد. بهترین است. ما هم از روی شیوه او می‌نویسیم. دیگران در حقیقت شاگرد او بحساب می‌آیند.»

من تاکنون هرچه کار کرده‌ام، از روی خط او بوده است. کارهای من همه معرّف شیوه کلهر است.»

به دست استاد که نگاه می‌کنی، حالتی در آن می‌بینی، که بی‌درنگ گمان می‌داری، حالتی است که قلم، در طول مدت شصت و پنج سال کار و سخت‌کوشی در زمینه خط و خوشنویسی در دست او به جای نهاده است. اما چنین نیست. زیرا علت آن بیماری رماتیسم است. و شگفتا، استاد با همین دست، این همه آثار خطی آفریده است. حماسه‌ی هیزم شکن اثر بسیج خلخال، کتاب اشعار علی اصغر حکمت، حافظ «قزوینی»، حافظ «فروغی»، دیوان امیرجاهد و آثار دیگر. علاوه بر این آثار ارزشمند، استاد خود نیز، کتابی تألیف کرده در دوازده جلد، به نام آداب المشق که آنرا مطابق استعداد بچه‌ها نوشته است.

این کتاب، برای کلاس‌های سوم، چهارم و پنجم و ششم است. استاد می‌گوید: «اگر می‌توانستم از همه کارهایم نمونه بردارم، از شماره بیرون می‌شد. از بسیاری از کارهایم اصلاً نمونه برداشته‌ام یعنی نمی‌شد برداشت. مثل کاشی‌های معرّق حسینیّه ارشاد، یا سنگی که برای مقبره فردوسی نوشته‌ام و دهها و صدها اثر دیگر که اکنون به خاطر ندارم. البته می‌شد از آنها اسلاید گرفت. اما تا حالا این کار را نکرده‌ام.»

استاد از میان این همه کاری که انجام داده است، حافظ «فروغی» و «دیوان امیرجاهد» را بیشتر از

همه می‌پسندد.

از او می‌پرسم: استادان خوشنویس این زمان چه کسانی هستند؟ می‌گوید: «علی منظوری تفرشی، محمدابراهیم بوذری، علی اکبر کاوه و میرخانی. (شکل ۲۹۲) اینها همه خوب می‌نویسند. و سپس می‌افزاید چند تا از شاگردهای میرخانی هستند که خوب می‌نویسند. «من چند تا شاگرد دارم که بهتر از من می‌نویسند. ولی الله صمدی، نصرالله معین، محمد نجبائی و منوچهر مهاجرانی، من نمونه‌ی خطشان را هم دارم. آنها هم دستشان قوی است و هم بهتر از من می‌نویسند و راستی که بقول معروف، دست بالای دست بسیار است. ادعا نمی‌توان کرد. پا روی حق نمی‌توان گذاشت. بسا ممکن است کسانی پیدا شوند که از استادشان بهتر بنویسند.» از استاد می‌پرسم: نظرتان راجع به کم و کیف و احوال هنر خوشنویسی امروز چیست؟ می‌گوید: «خط در حال حاضر رونق فراوانی پیدا کرده است، خیلی‌ها هم طالب هستند و در این راه گام بر می‌دارند و می‌نویسند. انجمن خوشنویسان هم خیلی شاگرد تربیت کرده است. بیشتر آنها خیلی خوب می‌نویسند: عبدالرسولی، احمد معصومی زنجانی، میرزا ابراهیم زرین قلم و کیمیا قلم (که فوت کرده است).»^(۱)

خسرو مرآت مرد هنرمندی است که به گردآوری آثار هنری خطاطان، علاقه فراوانی دارد. مجموعه‌ای شامل هفتصد قطعه خط، از خطاطان معروف ایران را جمع‌آوری کرده است که بسیار ارزنده و جالب است. او می‌گوید: «در حدود هفتصد قطعه خط که پاره‌ای از آنها، به ندرت یافت می‌شود، حاصل بیست سال عشق و ورزیدن من به هنر خطاطی است. در میان این هفتصد قطعه خط، از خط بایسنقر گرفته تا خط خطاطان معاصر را می‌توان یافت. خطوط بایسنقر، محمد رضا کلهر، میرعلی هروی، محمود نیشابوری، محمد حسین شیرازی، میرعماد، میرعلی تبریزی و باباشاه اصفهانی از معتبرترین خطوطی است که در این مجموعه وجود دارد. در اینجا بد نیست راجع به خط کلهر بگویم، محمد رضا کلهر خوشنویس نامدار زیر خطوط خود را امضاء نمی‌کرد و به جز چند قطعه خط، سایر خطوط او بدون امضاء است، در میان خطوطی که من به دست آورده‌ام، یک قطعه خط نیز متعلق به «محمد رضا کلهر» است و تا آنجائی که من اطلاع دارم این چهارمین قطعه خط موجود اوست که امضاء او را در زیر آن می‌بینیم. (شکل ۲۷۵) این خط متعلق به سال ۱۲۷۵ هجری قمری یعنی ۱۲۲ سال پیش است. در حال حاضر از خطوط امضاء شده محمد رضا کلهر یک قطعه در کتابخانه سلطنتی یک قطعه (که رسید پول است) در مجموعه وزارت فرهنگ و هنر و یک قطعه نیز در مجلس شورای ملی وجود دارد و قطعه چهارم نیز در مجموعه من است.»

اگر خط وسیله‌ای برای نوشتن نبود و قرار بود، نام دیگری به آن داده می‌شد، این اثر را بنام «نقاشی» می‌خواندم، زیرا آنچه از لطافت و ظرافت و زیبایی در هنر نقاشی می‌توان یافت، در خط نیز وجود دارد.

خط فارسی مانند هر هنر دیگر، سبکی دارد و پاره‌ای از هنرمندان آن را به اوج رسانده‌اند. خط نستعلیق که یکی از زیباترین خطوط فارسی است، میرعلی تبریزی را مخترع آن می‌دانند.



بابا شاه اصفهانی، محمد رضا کلهر و محمد حسین شیرازی و حسین عمادالکتاب سیفی و جواهر رقم این هنر را دنبال کردند (اشکال ۲۹۲ و ۲۹۳) سید علی اکبر گلستانه نیز در تکمیل خط نستعلیق و شکسته مقام والائی دارد. (اشکال ۲۹۴ و ۲۹۵).

دیگر از بزرگترین خوشنویسان اخیر استاد حسین میرخانی، استاد علی اکبر کاوه، استاد سید حسن میرخانی و استاد غلامحسین امیرخانی هستند. از شکسته نویسان معروف عصر حاضر اسدالله کابلی خوانساری است که هنرمندی ارزنده و تاکنون نمایشگاههای با ارزشی ترتیب داده که بسیار مورد توجه استادان فن قرار گرفته است.

عده دیگر از هنرمندان با ارزش نیز هستند که دارای درجه ممتاز و بعضی از آنها در انجمن خوشنویسان مشغول آموزش این هنر ارزنده هستند. از جمله: حسن سخاوت - معالی - عباس منظوری - حسن آهنگران - حمید دیرین (شکل ۲۹۶) - باقر ممتحن - محمد حیدری و عده‌ای دیگر. یکی از خطاطان معاصر که در ترویج و تکمیل خط فعالیت قابل ستایشی دارد آقای استاد غلامحسین امیرخانی است که اکنون سرپرست انجمن خوشنویسان است.

